



چند هفته بعد.

نظرت درباره این بچه جدید، کاسیوس کلی چیست؟

خیلی خوب نیست، مهارت زیادی ندارد.

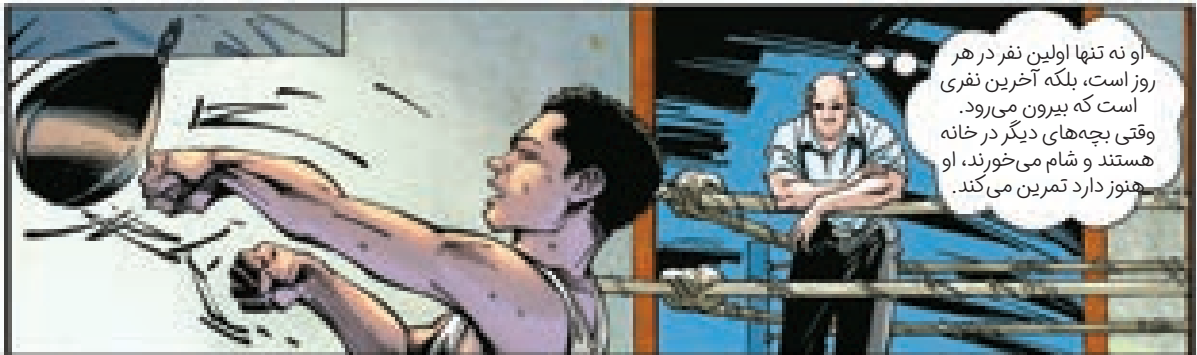
شاید هنوز نه. اما او خیلی دل و جرأت و پشت کار دارد. او هر روز اولین نفر است. امروز هم درست بعد از مدرسه آمد.

من هیچ وقت بچه‌ای را ندیده بودم که اینقدر سخت تمرین کند. او شش روز در هفته اینجاست.

او مانند بسیاری از بچه‌های امروزی سیگار نمی‌کشد. او کاری انجام نمی‌دهد که نتواند تمرین کند. این اراده و انضباط حتی در مردان بزرگ هم وجود ندارد.

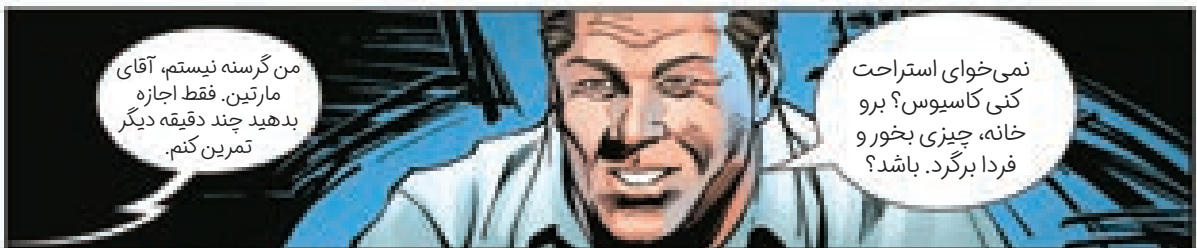


او نه تنها اولین نفر در هر روز است، بلکه آخرین نفری است که بیرون می‌رود. وقتی بچه‌های دیگر در خانه هستند و شام می‌خورند، او هنوز دارد تمرین می‌کند.



نمی‌خواهی استراحت کنی کاسیوس؟ برو خانه، چیزی بخور و فردا برگرد. باشد؟

من گرسنه نیستم، آقای مارتین. فقط اجازه بدهید چند دقیقه دیگر تمرین کنم.



جو مارتین، کلی را به یک مربی بوکس محلی به نام «فرد استونر» معرفی کرد که به کلی اصول مشت‌زنی را آموزش داد.

این یک مشت قوی است، کاسیوس.

اما فراموش نکن که باید حواست به مشت‌های حریف هم باشد.



ببین... همین الان می‌توانستم راحت بهت ضربه بزنم.